

مقدمه‌ای بر مطالعه و شناخت باغ‌های اردشیر خوره (گور) در دوره ساسانی و اوایل اسلامی^۱

حسام الدین احمدی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان
ahmadi.hesamaldin@yahoo.com

احمد صالحی کاخکی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان
ahmadsalehikakhki@yahoo.com

ناصر نوروززاده چگینی

عضو هیات علمی پژوهشکده باستان‌شناسی
nnchegini@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵ / ۳ / ۸

تاریخ پذیرش: ۹۵ / ۴ / ۱۲

چکیده

اردشیر بنیانگذار شاهنشاهی ساسانی، دشت فیروزآباد (اردشیرخوره/ گور) را به عنوان اولین تختگاه خود انتخاب و با کمک مهندسان خبره، با به‌کار بستن یک نظام منسجم و منظم انتقال آب، این دشت را برای استقرار گسترده قابل سکونت کرد. این نظام مدیریت آب، چنان خوب به اجرا در آمده بود که توانست دشت را تا چهار قرن بعد از فروپاشی دولت ساسانی، به عنوان مرکزی تجاری و کشاورزی در جهان آن روز، مطرح کند. بنا بر منابع تاریخی، قسمت اعظم زمین‌های کشاورزی دشت فیروزآباد به باغ‌هایی اختصاص یافته بود که شهر گور (اردشیرخوره) را از هر دروازه تا فاصله حدود یک فرسنگ (شش کیلومتر) در بر می‌گرفت. بنابراین مطالعه و شناسایی محدوده باغ‌های اردشیرخوره و راست‌آزمایی آنچه منابع تاریخی در این خصوص ذکر کرده اند، از مهم‌ترین اهداف پژوهش حاضر است. همچنین با توجه به رشد سریع شهرنشینی و از بین رفتن تدریجی شیوه‌های سنتی انتقال آب طی ۵۰ سال اخیر، ضروری بود تا به باغداری و نقش آن در رشد صنعتی و کشاورزی شهر گور در دوران شکوفایی آن پرداخته شود. این پژوهش، با رویکردی تاریخی - تطبیقی و با استفاده از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای و تطبیق آنها با یکدیگر، به مطالعه محدوده باغ‌های اردشیرخوره در دوران ساسانی و اوایل اسلامی می‌پردازد. مطالعات باستان‌شناختی نگارندگان، روشن ساخت که آنچه در منابع تاریخی در مورد محدوده باغ‌های شهر اردشیرخوره آمده است، قابل اثبات است و حتی به نظر می‌رسد گستره این باغ‌ها از هر دروازه شهر از یک فرسنگ نیز فراتر می‌رفته است.

واژه‌های کلیدی:

اردشیرخوره، باغداری، دشت فیروزآباد، مدیریت آب، دوره ساسانی.

دشت فیروزآباد توسط اردشیر بنیانگذار شاهنشاهی ساسانی در قرن سوم میلادی، به عنوان اولین تختگاه ساسانیان انتخاب شده و نام آن اردشیر خوره (گور) گذاشته شد. اردشیرخوره (گور) در دوره ساسانی مرکز کوره اردشیرخوره، یکی از پنج کوره فارس بوده است (استخری، ۱۳۷۳: ۱۱۰). از زمان اردشیر بابکان که فیروزآباد (اردشیرخوره/ گور) اولین مرکز دولت ساسانی شد، نظام مدیریت آب، نقش اساسی در حیات اجتماعی ساکنان دشت داشته است. مطالعات میدانی و باستان‌شناختی نگارندگان مشخص کرد که به‌کارگیری نظام منظم و منسجم انتقال آب در دشت فیروزآباد، مهم‌ترین بستر تولید ثروت، در حیات اجتماعی آن بوده است. به طوری که در دوران ساسانی و قرون اولیه اسلامی، فیروزآباد را به مرکزی تجاری و کشاورزی و صنعتی تبدیل کرد.

نظر به اینکه در منابع تاریخی از محصولات کشاورزی متنوعی نام برده شده و این محصولات یا فرآورده‌های آنها به صورت کالاهای تجاری مرغوب به سرتاسر جهان آن‌روز صادر می‌شده است، فرض بر این است که دشت فیروزآباد قابلیت کاشت و بهره‌برداری تمامی این محصولات را داشته و با توجه به محیط جغرافیایی فیروزآباد، این دشت نقش مهمی نیز در ثبات منطقه‌ای اطراف خود داشته است (تصویر ۱). اما تاکنون درباره محدودۀ باغ‌های اردشیرخوره، پژوهش مستقلی به انجام نرسیده است. فقط در منابع از محصولات کشاورزی، تجاری و محدودۀ این باغ‌ها سخن به میان آمده است (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۱۵۴؛ استخری، ۱۳۷۳: ۱۴۳؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۹). اینکه شواهد باستان‌شناختی، تا چه حد می‌تواند گزارش جغرافی‌نویسان قرون اولیه اسلامی را تأیید کند؟ و محدودۀ اصلی باغ‌های شهر گور از هر دروازه آن چقدر بوده است؟ مسائلی است که در این تحقیق در پی پاسخ به آن بوده ایم. می‌توان گفت آنچه منابع در خصوص باغ‌های اردشیرخوره ذکر کرده اند، با شواهد باستان‌شناختی می‌خواند و بر آن صحنه می‌گذارد. اگر چه رشد سریع شهرنشینی و کشاورزی جدید، بسیاری از شواهد باستان‌شناسی را از بین برده است، اما به کمک تحلیل عکس‌های هوایی، بقایای به‌جامانده از شیوه‌های انتقال آب و استفاده از نتایج باستان‌شناسان و پژوهشگرانی که تا کنون در دشت فیروزآباد به تحقیق پرداخته اند، این پژوهش تا حد قابل توجهی به اهداف خود دست یافته است. بنابراین این پژوهش به عوامل شکل‌گیری باغداری در دشت فیروزآباد می‌پردازد.

در خصوص باغداری در اردشیرخوره در دوره ساسانی و اسلامی، تاکنون پژوهش جامعی صورت نگرفته است. هر چند تاکنون محققان بی‌شماری از فیروزآباد و آثار آن دیدن کرده و برخی نیز به پژوهش‌های میدانی پرداخته اند، که از آن میان می‌توان به دیولافوا (۱۳۸۵: ۵۰۳-۵۰۷)، فلاندن (۱۳۲۴: ۳۸۷)، اریک اشمیت (۱۳۷۶: ۴۰-۴۳)، هرتسفلد (۱۳۸۱: ۳۱۴)، Stein (۱۱-۲۲۵: ۱۹۳۶)، واندنبرگ (۱۳۷۹: ۴۷-۵۲)، دیتیش هوف (۱۳۶۶: ۷۵-۹۹)، و رضا نوروزی (۱۳۸۴: ۲۳-۳۳۷) اشاره کرد. اما هیچ‌کدام از این محققان به نقش منابع و مدیریت آب در شکل‌گیری استقرار گسترده و محدودۀ باغ‌های اردشیرخوره در این دشت نپرداخته اند. تنها در منابع دوران ساسانی و به‌خصوص قرون اولیه اسلامی، از پرآب بودن دشت و انجام یک عملیات وسیع زهکشی^۲ برای آغاز استقرار گسترده و در نهایت ایجاد باغ‌هایی به مسافت یک فرسنگ از هر دروازه شهر گور، سخن به میان آمده است (استخری، ۱۳۷۳: ۱۴۳). تحقیق حاضر بخشی از نتایج بررسی و شناسایی شیوه‌های انتقال آب دشت فیروزآباد در دوران ساسانی و اسلامی است که به نقش نظام منسجم انتقال آب در شکل‌گیری باغداری در دشت فیروزآباد می‌پردازد. لازم به ذکر است که پژوهش‌هایی نیز درباره سیستم‌های آبرسانی در دوران باستان، توسط رابرت آدامز (۱۳۸۵: ۸-۲۱) و جی ونکه (۱۳۸۱: ۵۹۷-۶۶۲) در دشت خوزستان و عباس مقدم (۱۳۸۴: ۱۷-۵۴۶) و مهرنوش سروش (۱۳۹۳: ۱۷۲-۱۸۱) در میان‌آب شوشتر انجام پذیرفته است.

مبانی نظری

در خصوص باغداری و شکل‌گیری شهر گور و بناهای اطراف آن باید به مقولۀ معماری منظر (یکی از چند گونه منظر رمانتیک، شاعرانه، طبیعت‌گرا، کلاسیک، مدرن، ...) توجه کرد. برای درک معماری منظر باید به مسائل زیست‌محیطی، منابع آب، آشنایی با گیاهان قابل کشت، مسائل اقلیمی، و... در یک منطقه پرداخته شود (بقایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۵). همان‌طور که معماری منظر ریشه در طبیعت دارد. شهر اردشیرخوره و باغ‌های آن نیز از این مقوله مستثنی نیست. اردشیر علاوه بر انتخاب محیطی امن برای خاندان خود، موارد دیگری چون آب و هوای معتدل، پوشش گیاهی مناسب و وفور منابع آب را نیز مد نظر قرار داده است. دشت فیروزآباد یک دشت میان‌کوهی کوچک است که در اقلیم

نیمه خشک فلات ایران قرار گرفته است. این دشت دارای آب و هوای معتدل و منابع آب فراوان سطحی و زیرزمینی است، که اردشیر را برای ایجاد استقرار گسترده مجبور کرد، تا راهکارهایی برای خشکاندن دشت بیندیشد (استخری، ۱۳۷۳: ۱۱۰؛ ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۱۵۴). اردشیر دو بنای قلعه دختر و کاخ خود را در کوهستان احداث کرد. کاخ وی در کنار چشمه‌ها و برکه‌ای پرآب در دهانه خروجی تنگاب احداث شد. با ایجاد بزرگترین استقرار (شهر اردشیرخوره/گور) در میانه دشت، منابع آب در دسترس آن به نظر ناکافی می‌نمود. اجرای یک طرح ویژه انتقال آب به طول شش کیلومتر، آب برکه کاخ اردشیر را به شهر گور رساند. تا علاوه بر ایجاد یک آب‌نما در میانگاه شهر، تمامی زمین‌های داخلی شهر به مساحت ۳۱۴ هکتار را سیراب کند (نوروززاده چگینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۰-۱۶۵). در زمینه باغداری در تمامی سطح دشت توجه به سیستم انتقال آب امری ضروری است. استفاده از فن‌آوری قنات برای بهره‌وری از منابع آب سطحی و زیرزمینی بهترین راهکار برای مشروب کردن تمامی پستی و بلندی‌ها بوده است. از طرفی توجه به آبادانی و کاشت درختان از ویژگی آموزه‌های دین زرتشتی است. ایجاد باغ‌ها در مقیاسی وسیع دارای نظم خاص بوده و محورهای شعاعی که از میانگاه شهر گور تا مسافت ۷/۵ کیلومتر پشت حصارهای شهر ادامه داشته (هوف، ۱۳۶۵: ۱۷۹)، الگوی شکل‌گیری باغداری در دشت فیروزآباد را تشکیل داد. از دیگر موارد، توجه به معماری منظر در باغداری و شناخت نوع کاشت و بهره‌وری بالا از گیاهان مساعد با محیط زیست است. بنابراین به سبب وجود آب و هوای معتدل، گیاهان گرمسیری و سردسیری کشت شدند، که فرآورده‌های برخی از آنها به عنوان کالایی مرغوب توسط بازرگانان به اقصی نقاط جهان صادر شده است. در نهایت معماری منظر بناها و باغ‌های اردشیرخوره علاوه بر جنبه زیبایی‌شناختی، موجب آسایش روح و روان اردشیر و جانشینانش شد. و از طرفی موجب رفاه و آسایش ساکنان اردشیرخوره نیز بوده است. این زراعات موجبات تولید ثروت و ایجاد مکانی امن برای ساکنان دشت و بازرگانان و ساکنان بندر سیراف و نواحی اطراف بوده است. این رویداد آنقدر اهمیت داشته که با تغییر در نظام سیاسی و دینی توسط اعراب تازه مسلمان شده و از بین رفتن پشتوانه اصلی شکل‌گیری استقرار و باغداری در اردشیرخوره، باغ‌ها و درآمد حاصل از آنها تا قرن چهارم هجری به قوت خود باقی مانده بود. تا آنجا که امیر عضالدوله دیلمی را در قرن چهارم هجری هرسال به آنجا می‌کشاند (مقدسی، ۱۳۶۱:

۶۴۴). در نتیجه، پایداری و ثبات استقرار و بهره‌وری از زمین را که تا ۵۰ سال اخیر در تمامی سطح دشت شاهد آن بوده ایم، باید مرهون نظام منسجم انتقال آبی دانست که در دوره ساسانی پایه‌ریزی شد.

روش پژوهش

برای ثبت و شناسایی محدوده باغ‌های اردشیرخوره روش میدانی بر اساس پیمایش به کار گرفته شد. منطقه مورد بررسی، تمام گستره دشت فیروزآباد به مساحت ۲۷۵ کیلومتر مربع را شامل می‌شود. رودخانه فیروزآباد از میانه دشت می‌گذرد و دشت را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌کند (تصویر ۱). در بررسی اخیر از این الگوی طبیعی استفاده کرده و شیوه‌های انتقال آب هر بخش رودخانه را جداگانه بررسی و شناسایی کرده ایم. سپس با تطبیق داده‌های باستان‌شناسی با منابع تاریخی، به نتایج قابل قبولی در خصوص محدوده باغ‌های اردشیرخوره دست یافته ایم.

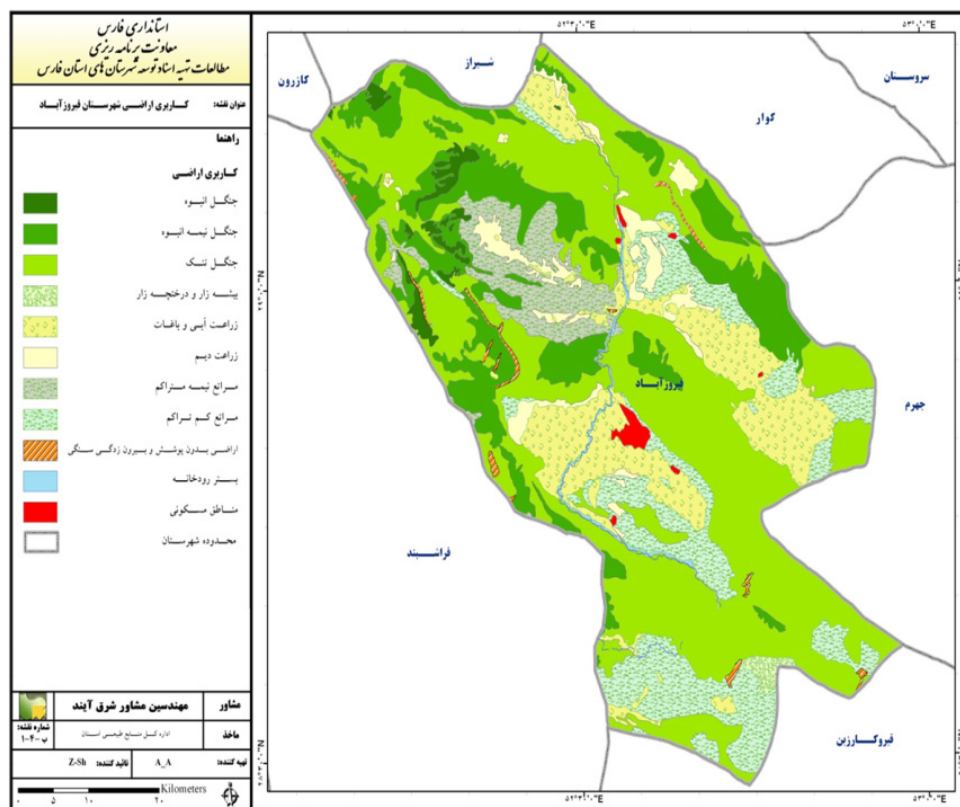
دشت فیروزآباد

دشت فیروزآباد در موقعیت جغرافیایی $52^{\circ}50'$ تا $52^{\circ}15'$ طول شرقی و $28^{\circ}45'$ تا $29^{\circ}15'$ عرض شمالی در ارتفاع ۱۳۲۷ متری از سطح دریا، در جنوب غربی استان فارس واقع شده است. فیروزآباد یک دشت میان‌کوهی به مساحت ۷۲۳ کیلومتر مربع است که ۲۷۵ کیلومتر مربع از آن را دشت مسطح و ۴۴۸ کیلومتر مربع آن را ارتفاعات تشکیل می‌دهد. فاصله شهر فیروزآباد تا مرکز استان، ۹۵ کیلومتر است (نقشه ۱). به طور کلی این شهرستان در منطقه کوهستانی قرار گرفته است (بیات، ۱۳۷۳: ۳۱۷). شهرستان فیروزآباد به علت برخورداری از اقلیم مناسب و میزان بارندگی سالانه بین ۳۴۸ - ۴۲۷ میلی‌متر، دارای پوشش گیاهی متنوعی است. این میزان بارندگی علاوه بر اینکه دشت فیروزآباد را جزو مناطق نیمه‌خشک فلات ایران قرار می‌دهد، امکان کشاورزی دیم را هم برای ساکنان دشت فراهم می‌کند (کردوانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۶).

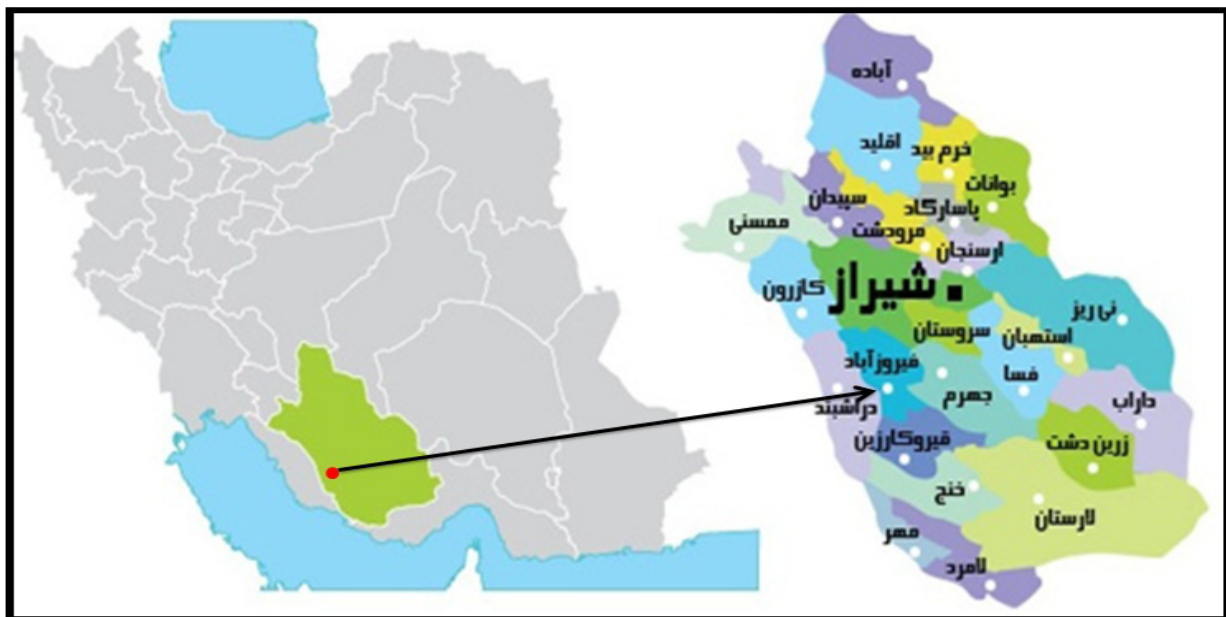
می‌توان گفت پوشش گیاهی آن آخرین حد جنگل‌های نیمه‌متراکم زاگرس است. پس از آن، به علت قرارگیری ارتفاعات زاگرس در عرض‌های پایین‌تر تا سواحل خلیج فارس، از پوشش گیاهی آن به شدت کاسته می‌شود. در نتیجه فیروزآباد به سبب برخورداری از هوای معتدل، پوشش گیاهی مناسب از دیرباز خود مورد توجه اجتماعات انسانی بوده است. به طور کلی پوشش



تصویر ۱. تصویر هوایی دشت فیروزآباد (مأخذ: Google Earth 2010).



نقشه ۱. موقعیت شهرستان فیروزآباد در نقشه ایران (مأخذ: آرشیو استانداری فارس).



نقشه ۲. پوشش گیاهی شهرستان فیروزآباد (مأخذ: آرشیو استانداری فارس).

اردشیر (بوشهر) و اردشیرخوره (گور/ فیروزآباد) (کراچی، ۱۳۶۹: ۳۱۲).

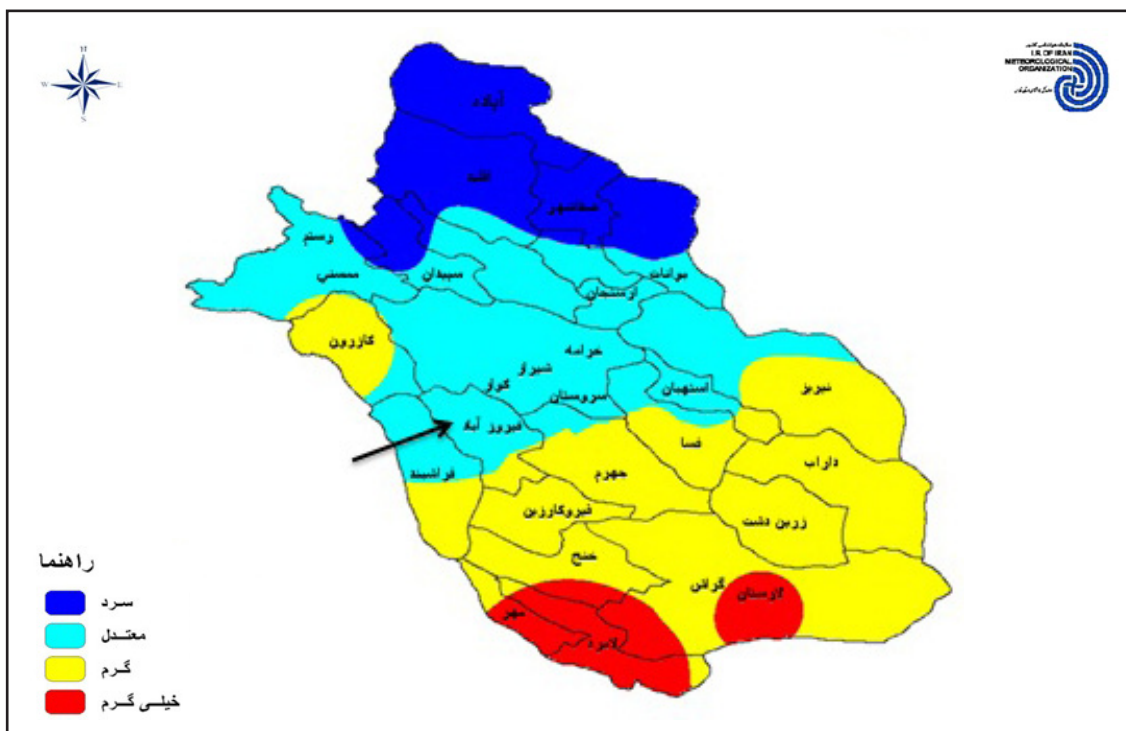
طبری (قرن سوم) انگیزه اردشیر از ساخت اردشیرخوره را پیروزی بر مهرک نوشاد، سردار شورشی و پیروزی نهایی بر اردوان پنجم، آخرین شاه اشکانی بیان می‌کند (شاهپور شهبازی، ۱۳۹۱: ۹۷). علاوه بر طبری در *کارنامه اردشیر بابکان* (۱۳۹۰: ۴۹) و دیگر منابع قرون اولیه اسلامی چون *ممالک و مسالک استخری* (۱۳۷۳: ۱۱۱) و *فارسنامه ابن بلخی* (۱۳۶۳: ۱۵۴) از تلاش اردشیر برای خشکاندن دشت و بهره‌برداری از منابع آب، سخن به میان آمده است. بدین منظور که دشت را برای استقرار و ساخت‌وساز گسترده مهیا کنند و سپس با ایجاد زمین‌های کشاورزی جدید به دشت رونق بخشند. پس از فروپاشی ساسانیان به دست اعراب تازه‌مسلمان، این شهر توسط عثمان بن عامر در سال ۲۹ق فتح شد (بلادری، ۱۳۶۴: ۹۵). در قرن چهارم هجری عضدالدوله دیلمی نام اردشیرخوره (گور) را به فیروزآباد تغییر داد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۴).

اردشیر خوره (گور) به لحاظ مکانی در مرز میان گرمسیرات و سردسیرات فارس واقع شده است (استخری، ۱۳۷۳: ۱۱۹) (نقشه ۳). دشت فیروزآباد به دلیل آب و هوای معتدل و پوشش گیاهی مناسبی که دارد، از دیر باز مورد توجه بوده است، به طوری که تا به امروز از سکونتگاه‌های مهم عشایری فارس به شمار می‌رود. دشت فیروزآباد به سبب برخورداری از منابع آب فراوان در دوران ساسانی و اوایل اسلامی، به اوج شکوفایی در امر تجارت و کشاورزی رسید

گیاهی این شهرستان از نوع جنگل‌های زاگرس، ایران تورانی و خلیج عمانی است که گونه‌های جنگلی آنها از نوع درختان بلوط، بادام کوهی، بنه، کلخنگ، کیکم، ارژن، تنگرس، کیالک، شیرخشت، گیلاس وحشی، سیب وحشی، گلابی وحشی، سیب باغی، بیده، پده، خرزهره، انجیر وحشی، داغداغان، اوجا، بنگرو، زبان گنجشک، فزبین، ارس، شن، گردو، چنار، زرشک، مورد، استبرق، کنار، اسکنبیل، گز، و تاق است (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۱) (نقشه ۲).

باغ‌های اردشیرخوره

در اواخر دوره اشکانی، اردشیر بنیانگذار شاهنشاهی ساسانی دشت فیروزآباد را به عنوان مکانی امن برای استقرار خاندان ساسان در نظر گرفت. شروع ساخت‌وساز در دشت توسط اردشیر، موجبات نارضایتی اردوان پنجم اشکانی را فراهم آورد. پس از غلبه اردشیر بر اردوان و تأسیس شاهنشاهی ساسانی، بناهای بیشتری در دشت فیروزآباد ساخته شد و نام آن را اردشیرخوره گذاشتند. نخستین متنی که از اردشیر خوره، نامی به میان آورده و بنای این شهر را به اردشیر بنیانگذار شاهنشاهی ساسانی نسبت می‌دهد، کتیبه شاهپور در بنای معروف به کعبه زرتشت در نقش رستم است. در این کتیبه بنای سه شهر به اردشیر نسبت داده شده است: اردشیرفره، اردشیر خشنوم، و بهاردشیر. در *کارنامه اردشیر بابکان* نیز به این سه شهر اشاره شده است: رامش اردشیر (توج)، بوخت



نقشه ۳. اقلیم استان فارس (مأخذ: آرشیو سازمان هواشناسی فارس).

(نقشه ۳)

در میان زمین‌های کشاورزی می‌رویند. بر اساس منابع، بیشتر زمین‌های دشت به کشت گل محمدی اختصاص یافته بود، که از آن گلاب تهیه می‌کردند. بنا به نوشته‌های ابن بلخی علاوه بر محصولات یادشده، درختان گرمسیری و سردسیری در باغ‌های اردشیرخوره به خوبی عمل می‌آمده است (ابن بلخی، ۱۳۶۶: ۱۳۴-۱۵۱). برای مثال گردو که یک درخت سردسیری است، در کنار درخت خرما که یک درخت گرمسیری است، به خوبی در کنار هم در دشت فیروزآباد کشت می‌شوند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۹). میرزا حسن فسایی و فرصت‌الدوله شیرازی دو نویسنده دوره قاجار از وجود انواع درختان و گیاهان سردسیری و گرمسیری چون سیب، انار، نارنج، خرما، مرکبات، گل سرخ، برنج، جو، گندم، پنبه، و حبوبات در مزارع فیروزآباد گزارش می‌دهند (فسایی، ۱۳۶۷: ۱۴۱۸؛ فرصت‌الدوله، ۱۳۶۲: ۱۱۱). همچنین در پی کاوش‌های نجات‌بخشی که در پشت سد تنگاب فیروزآباد انجام پذیرفت، کارگاه‌های استحصال آب انگور متعلق به دوره ساسانی به دست آمد (توفیقیان، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۱۱۸؛ توفیقیان، ۱۳۹۳: ۲۰۷) (تصویر ۲). می‌توان گفت علاوه بر درختان فوق که در گزارش‌های سیاحان و جغرافی‌نویسان دوران اسلامی آمده است، درختان بی‌شمار دیگری چون انجیر، بادام، توت، و... نیز در کنار دیگر محصولات

بنا به گزارش استخری (استخری، ۱۳۷۳: ۱۴۳) و ابن حوقل (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۶۵) در قرن چهارم هجری مهم‌ترین محصول تجاری اردشیرخوره، گلاب بوده و در کنار گلاب، محصولات تجاری دیگری چون عرق طلعه (طارونه، شکوفه خرما)، عرق قيصوم (بومادران)، عرق زعفران، روغن بید و روغن بنفشه نیز تولید می‌شده که این محصولات به تمام نقاط دنیای آن روز، از اسپانیا در غرب تا هند و چین در شرق، صادر می‌شده است. تمامی کالاهای تجاری اردشیرخوره از محصولات کشاورزی تهیه می‌شده است. بنا بر بررسی و مطالعه نگارندگان که شامل شناسایی ۵۲ قنات و آبراه می‌شود، با پنج شیوه مختلف انتقال آب، تمامی زمین‌های قابل کشت و حتی کوهپایه‌های دشت فیروزآباد را به زیر کشت برده‌اند. در این نوشته در کنار شناسایی شیوه‌های انتقال آب، به محصولات کشاورزی قابل کشت نیز پرداخته شد و محصولات کشاورزی دوره ساسانی و اوایل اسلامی، با وضعیت باغداری و آب و هوایی این دشت تا یک قرن اخیر مطابقت داده شد. از میان این محصولات تجاری تا به امروز گیاهان گل محمدی، نخل، گیاه بومادران و بنفشه در دشت فیروزآباد کشت می‌شود. البته بومادران و بنفشه خودرو هستند و در بهار هر سال به‌وفور

کشاورزی در دشت فیروزآباد کاشت می‌شده است. لازم به ذکر است که در کوه‌های اطراف دشت درختانی چون انجیر کوهی، بادام، بلوط، بنه، و کلخنگ که دارای میوه‌های خوراکی هستند، به فراوانی یافت می‌شود. از طرفی در باغ‌های قدیمی فیروزآباد چون باغ شاه، باغ سلطان‌آباد (کلاه فرنگی)، باغ نو، باغ گلشن، و باغ بهادران که قدمت آنها به دوران صفوی تا قاجار می‌رسد (فرصت الدوله، ۱۳۶۲: ۱۱۱)، تمامی درختان ذکرشده و بسیاری از درختان میوه دیگر وجود داشته است. در همین خصوص در کنار بررسی شیوه‌های انتقال آب دشت فیروزآباد، به جمع آوری و بررسی نام‌های قدیمی زراعت‌های این دشت نیز پرداخته شد. بسیاری از این مزارع پیشوند باغ دارند اما مشخص نیست متعلق به چه زمانی بوده اند. فقط در اسناد رسمی و پلاک‌های ثبتی از این نام‌های قدیمی استفاده شده است و هر مزرعه چند ده هکتار مساحت دارد. برای مثال می‌توان به مزارع صغاد و انارستان و باغ میری و باغ طاحونه در فاصله ۲/۵ کیلومتری بین شهر گور و شهر کنونی فیروزآباد اشاره کرد. البته نباید از باغ‌های قدیمی منطقه کهنارو (جبل الناریه/ کوه انار) غافل ماند. این باغ‌های دیم بر بلندای کوه‌های شرقی فیروزآباد موسوم به همین نام ایجاد شده اند. در این باغ‌ها درختان انگور، بادام، انار، انجیر، و گردو بدون نیاز به آبیاری به فراوانی وجود دارند. هرچند مشخص نیست این

باغ‌ها از چه زمانی ایجاد شده اند. تنها منبع تاریخی در این زمینه نوشته‌های میرزا حسن فسایی است که در دوره قاجار از باغات انگور دیم آن یاد کرده است (فسایی، ۱۳۷۸ ج ۲: ۱۳۷۶). وجود یک چهارطاقی (کهنارو) متعلق به دوره ساسانی و یک زیارتگاه به نام سلطان پیرغیب، نشان از استقرار در این منطقه در دوران ساسانی و اسلامی دارد. از طرفی محصولات یا فراورده‌های ثانوی باغات کهنارو چون انگور (مویز، شیره انگور، میده^۲) و انار (رب انار) از قدیم الایام دارای شهرت بسزایی در بین اهالی فیروزآباد و مناطق همجوار بوده است. صاحبان این باغ‌ها در زمستان در مناطق پست و دره‌های شرقی دشت فیروزآباد به سر می‌برند و در تابستان به مناطق مرتفع که این باغ‌ها قرار دارند، کوچ می‌کنند.

به هر حال اهمیت وجود درختان گوناگون در باغ‌های اطراف شهر اردشیرخوره (گور)، علاوه بر جنبه زیبایی‌شناختی و آسایش و آرامش ساکنان آن، بدان خاطر است که به دلیل قرار گرفتن فیروزآباد در مرز میان گرمسیرات و سردسیرات فارس و قابل کشت نبودن اکثر این درختان، در مناطق گرمسیری و پایین‌دست دشت فیروزآباد تا خلیج فارس و همچنین نبود منابع آب کافی در مناطق گرمسیری، یک موقعیت سوق‌الجیشی را برای این شهرستان فراهم آورده است. اما مهم‌تر آنکه بسیاری از محصولات کشاورزی شهرستان فیروزآباد مثل گردو، خرما، انجیر، انگور، بادام،



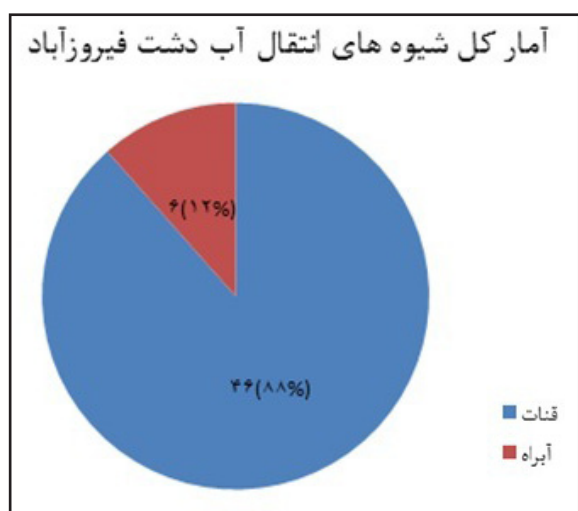
تصویر ۲. بخشی از گارگاه استحصال آب انگور در پشت سد تنگاب فیروزآباد (توفیقیان، ۱۳۹۳: ۲۰۷).

جو، گندم، برنج ... خود، یا فراورده‌های آنها، قابلیت نگهداری در زمان طولانی را دارند. به همین منظور اگرچه در کنار محصولات تجاری اردشیرخوره، نامی از آنها برده نشده، اما به دلیل اینکه راه بیشترین درآمد و تجارت اردشیرخوره از طریق دریا و بندر سیراف بوده است. به غیر از سود حاصل از محصولات تجاری، دیگر فراورده‌های باغ‌های اردشیرخوره، نقش مهمی در تأمین مواد غذایی و مایحتاج ساکنان و کشتی‌های تجاری بندر سیراف در دنیای آن‌روز داشته است.

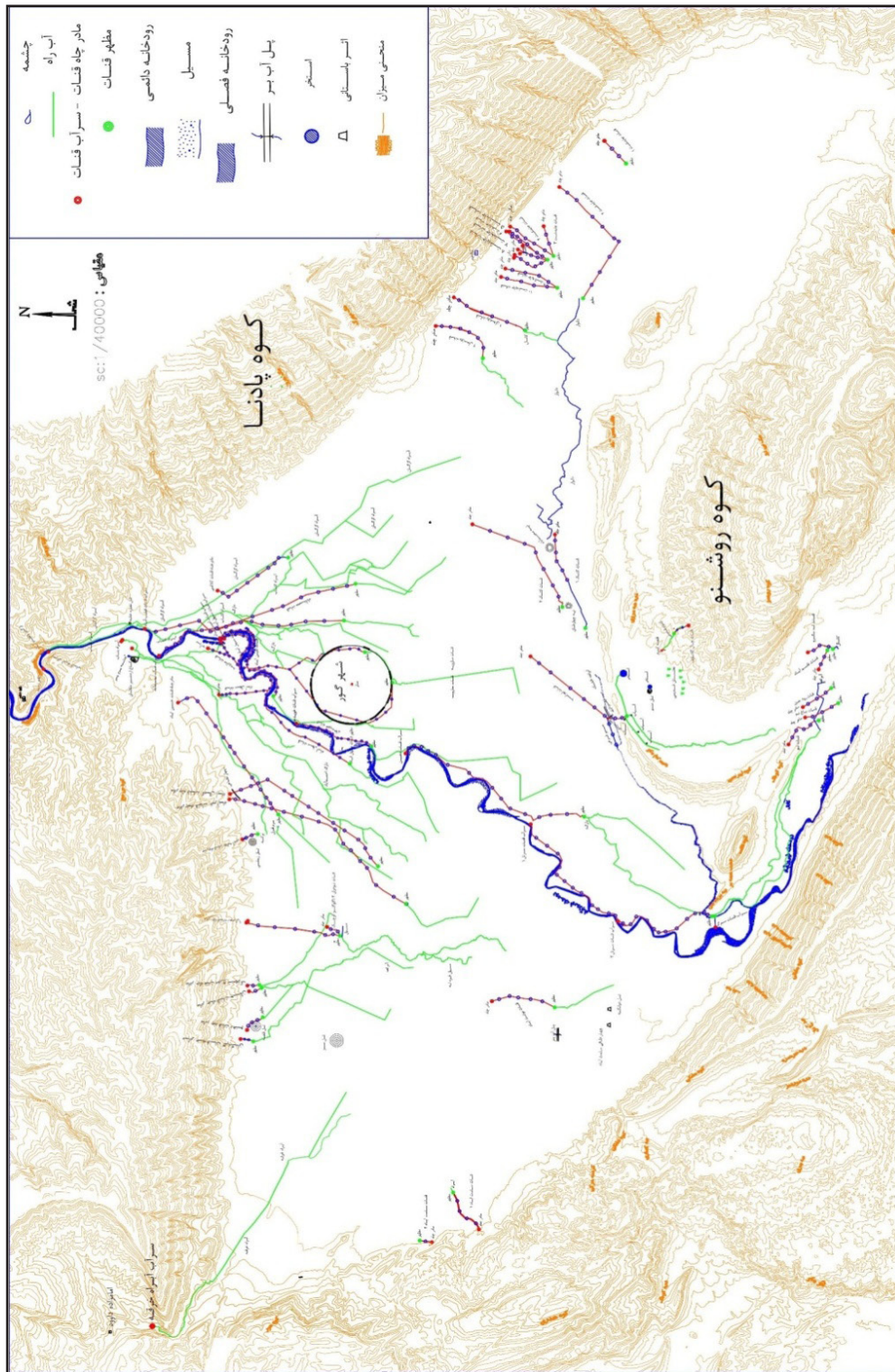
شهر اردشیرخوره (گور) چهار دروازه در جهات اصلی داشته است و ابن‌حوقل جغرافیدان قرن چهارم هجری علاوه بر جغرافی‌نویسان قرون اولیه اسلامی از وجود یک نظام آبیاری و قصرها و عمارت‌های مجزا از هم در حدود یک فرسنگ (۶ کیلومتر) از هر دروازه شهر گور خبر می‌دهد (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۹). این توصیف ابن حوقل از دشت فیروزآباد در سه قرن اولیه اسلامی، نشان‌دهنده آبادی و سرسبزی تمامی دشت بوده است. می‌توان گفت این کار با توجه به عوامل محیط زیستی و جغرافیایی دشت، امکان‌پذیر نبوده مگر با یک برنامه‌ریزی دقیق و منسجم با پشتوانه سیاسی، اقتصادی، اداری، مدیریتی، و بهره‌برداری درست از منابع آب. چراکه رودخانه فیروزآباد که عرض دشت را می‌پیماید، به طور متوسط ۱۵ متر پایین‌تر از سطح دشت در جریان است. به همین منظور با انجام راه‌کارهایی که شامل احداث ۱۰ قنات و دو آبراه که از رودخانه تغذیه می‌شوند، قسمت اعظم زمین‌های بخش شرقی رودخانه را به زیر کشت برده اند (نقشه ۴). تهیه و اجرای نقشه‌ای برای آوردن آب از بستر رودخانه به سطح دشت، چنان دقیق انجام گرفته بود، که تمامی ناهمواری‌های سطح دشت به خوبی پوشش داده شود. برای مثال قنات قطب‌آباد که مظهر آن در قسمت شمال شرقی و پشت خندق شهر گور واقع شده است (نقشه ۴)، به تنهایی توانایی مشروب کردن ۷۰۰ هکتار از زمین‌های جنوب شرقی شهر گور را داشته است.

مقدسی جغرافیدان قرن پنجم هجری علاوه بر رودخانه فیروزآباد، از وجود کاریزها برای آب شرب و مشروب کردن زمین‌های کشاورزی در سطح دشت خبر می‌دهد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۴۴). دیگر جغرافی‌دانان قرون اولیه اسلامی چون استخری (۱۳۷۳: ۱۰۷)، ابن حوقل (۱۳۶۶: ۴۹) و ابن بلخی (۱۳۶۳: ۱۵۴)، نیز رودخانه فیروزآباد را مهم‌ترین منبع تأمین آب دشت فیروزآباد معرفی کرده اند. نوشته‌های میرزا حسن فسایی نویسنده دوره قاجار، حکایت از پا بر جای بودن سیستم انتقال آب دوران ساسانی

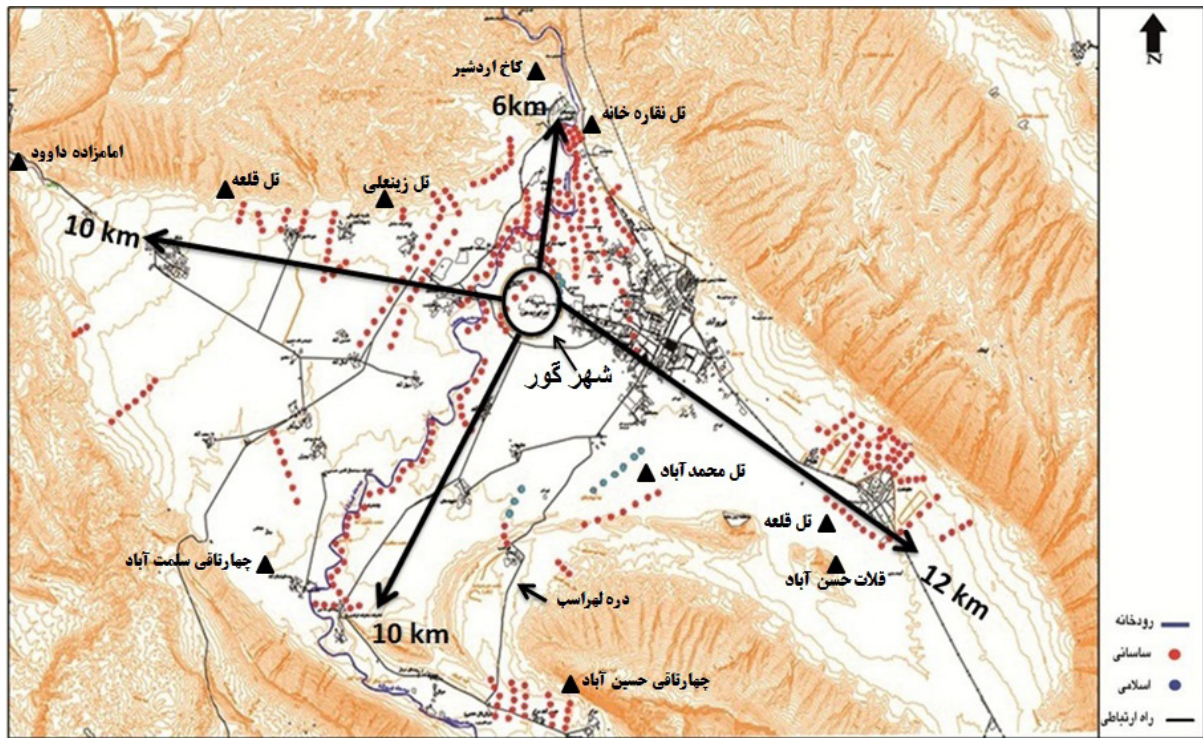
و اوایل اسلامی تا دوره قاجار دارد. او رودخانه فیروزآباد را مهم‌ترین منبع تأمین آب دشت معرفی می‌کند (فسایی، ۱۳۶۷: ۱۶۱). پس از بررسی و شناسایی شیوه‌های انتقال آب دشت فیروزآباد، مشخص شد که علاوه بر آب رودخانه، با احداث و بهره‌برداری از آب تعداد زیادی قنات با منبع تغذیه از مادرچاه‌ها و چشمه‌های دائمی و فصلی در تمامی سطح دشت، اردشیرخوره را در زمینه کشاورزی، تجارت، صنعت و هنر به اوج شکوفایی رسانده اند. در مجموع در دوران ساسانی و اسلامی از ۴۶ قنات و ۶ آبراه برای بهره‌برداری از تمامی زمین‌های کشاورزی دشت بهره برده اند (احمدی، ۱۳۹۳: ۹۷-۹۹) (نقشه ۴). می‌توان گفت استفاده از فناوری قنات، بهترین راهکار برای بهره‌برداری از منابع آب در دسترس بوده است، که این خود نشان‌دهنده تلاش آگاهانه و شناخت کافی ساسانیان از جغرافیای طبیعی دشت فیروزآباد است (نمودار ۱). پس از جانمایی قنات و آبراه‌ها بر نقشه، مشخص شد که حدود باغ‌های اردشیرخوره، تنها از دروازه شمالی شهر حدود یک فرسنگ (۶ کیلومتر) است و محدوده این باغ‌ها، از دروازه‌های جنوبی و غربی، حدود ۱۰ کیلومتر و از دروازه شرقی شهر گور به ۱۲ کیلومتر می‌رسد (نقشه ۵). به نظر می‌رسد علت اینکه جغرافی‌نویسان قرون اولیه اسلامی محدوده باغ‌های اردشیرخوره را از هر دروازه شهر گور، حدود یک فرسنگ گزارش کرده اند، این بوده که از قدیم‌الایام راه ارتباطی شهر گور به شیراز از دروازه شمالی صورت می‌پذیرفته و جغرافی‌نویسان این مسافت را برای دیگر دروازه‌های شهر گور نیز در نظر گرفته و تعمیم داده اند.



نمودار ۱. آمار کل قنات و آبراه‌های دشت فیروزآباد (تهیه از: نگارندگان).



نقشه ۴. جامایی کل شیوه‌های انتقال آب (قنات‌ها، آبراه‌ها) روی نقشه دشت فیروزآباد در بررسی اخیر (ترسیم از: نگارندگان).



نقشه ۵. نقشه جانمایی قنات و محدوده باغ‌های اردشیرخوره (گور) از دروازه‌های شهر گور (ترسیم از: نگارندگان).

دیتیریش هوف قنات جای دشت و قنات و باغ‌ها و مزارع برنج دره لهراسب را آخرین بازمانده مزارع دوره ساسانی معرفی می‌کند (هوف، ۱۳۶۶: ۸۷). نگارندگان در بررسی اخیر موفق شدند. یک رشته قنات که به صورت دوطبقه احداث شده (تصویر ۴)، را به همراه آبراهه‌ای (تصویر ۵)، در میان دره چال کفتاری در شرق دره لهراسب شناسایی کنند. آب این قنات به مصرف نخلستان‌هایی که در دامنه کوه در شرق روستای لهراب احداث شده اند می‌رسیده است. بنابراین میزان زمین‌هایی که در دره لهراسب به امر باغداری و به خصوص نخلستان اختصاص داشته به حدود ۶۰۰ هکتار می‌رسد.

علاوه بر موارد ذکر شده، دیتیریش هوف ادامه محورها شهر گور را - که از میانگاه آن شروع می‌شود - تا شعاع ۷/۵ کیلومتری از خارج از حصار و خندق اطراف شهر شناسایی کرده است (هوف، ۱۳۶۵: ۱۷۹). اما متأسفانه با اجرایی شدن طرح شرکت زراعی در دهه ۱۳۵۰ شمسی و در نتیجه تسطیح اراضی دشت فیروزآباد، تمامی تپه‌ها و محوطه‌های اطراف شهر گور و سطح دشت از بین رفت و تنها آثار شاخص و محوطه‌هایی که در کوهپایه‌ها قرار داشتند تا به امروز باقی مانده است. این امر تا به آن حد پیش رفته

در خصوص تاریخ‌گذاری محدوده باغ‌های اردشیرخوره و قنات‌های آن باید گفت که پس از بررسی و شناسایی شیوه‌های انتقال آب دشت فیروزآباد مشخص شد که در کنار اکثر قنات‌ها بناها و محوطه‌هایی وجود دارند که دیتیریش هوف (هوف، ۱۳۶۶: ۸۱-۹۸) و رضا نوروزی آنها را (نوروزی، ۱۳۸۴: ۴۰-۳۳۳)، به دوران ساسانی و اوایل اسلامی منسوب کرده اند. در نتیجه بسیاری از این محوطه‌ها چون تل محمدآباد، تل قلعه، تل زینعلی، و تل نقاره‌خانه به عنوان مسیرآب مورد استفاده قرار گرفته اند (نقشه ۵). همچنین در کنار برخی از قنات‌ها آتشکده‌هایی ساخته شده که آتشکده حسین‌آباد در جنوب شرقی فیروزآباد از آن جمله است. آقای عسکری چاوردی شرحی درباره پای آتشدان آن نگاشته است (عسکری، ۱۳۸۹: ۳۵). همچنین بخش جنوب شرقی دشت فیروزآباد که شامل دره لهراسب و روستاهای سرتل و حسین‌آباد و سرگر می‌شود، به علت قرار گرفتن در ارتفاع پایین‌تر از میانه دشت - که این اختلاف ارتفاع به حدود ۸۰ متر می‌رسد - موجب شده تا این بخش برای تبدیل شدن به نخلستان مناسب باشد. تا حدود یک قرن پیش این نخلستان‌ها پا برجا بوده است (تصویر ۳).



تصویر ۵. آبراهه چشمه فصلی دره چال کفتاری در شرق روستای لهراسب (عکس از: نگارندگان).

در اواخر قرن چهارم هجری، شاهد از بین رفتن رونق تجاری اردشیرخوره هستیم. اما عامل اصلی این تغییرات نه در خود دشت فیروزآباد، بلکه در ارتباط مستقیم با وضع حکومت مرکزی و حیات تجاری بندر سیراف بوده است. در خصوص افول رونق تجاری دشت فیروزآباد، که از اواخر قرن چهارم هجری آغاز شد باید گفت که با مرگ عضدالدوله دیلمی به سال ۳۷۲ق فارسی و نواحی جنوبی ایران، دچار کشمکش‌های سیاسی بین جانشینان وی شد (زرکوب شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۳-۱۳۲). با طولانی شدن این کشمکش‌ها، فارس رو به انحطاط رفت و این رویدادها اثر مستقیمی بر تجارت فارس و در نتیجه مهم‌ترین بندر تجاری خلیج فارس «سیراف» در قرون چهارم و پنجم هجری گذاشت (وٹوقی، ۱۳۸۳: ۱۳). حیات تجاری شهر گور و بسیاری از مناطق همجوار، در گرو حیات بندر سیراف بود. زلزله‌ای که در حدود ۳۶۶ق در سیراف رخ داد، این بندر مهم را به مخروبه‌ای بدل ساخت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۷). این اتفاق به همراه کشمکش‌های سیاسی، باعث انتقال جایگاه آن به جزیره کیش شد و تلاش‌های حاکمان فارس در احیای دوباره بندر سیراف بی‌نتیجه ماند (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۱۳۶). پس از این اتفاقات، شهر گور نیز دوران افول خود را آغاز کرد. این شهر که یکی از منزلگاه‌ها و توقفگاه‌های شهری مهم، بر سر راه تجاری شیراز به بندر سیراف بود، در نتیجه رویدادهای سیاسی که در قرون چهارم و پنجم هجری در فارس رخ داد و همچنین از رونق افتادن بندر سیراف که اثر مستقیمی بر رونق تجاری و کشاورزی دشت فیروزآباد گذاشت، رونق تجاری‌اش تا سطح منطقه‌ای پایین آمد. بعد از مقدسی (قرن پنجم هجری) و ابن بلخی

است که خطوط تقسیم‌بندی داخلی شهر گور در عکس‌های هوایی امروزی دیگر قابل ردیابی نیست. در نهایت از تمامی گستره دشت فیروزآباد که ۲۷۵ کیلومترمربع (۲۷۵۰۰ هکتار) را شامل می‌شود، امروزه به علت رشد سریع شهرنشینی، وسعت کل زمین‌های زیرکشت با به کار بستن تمامی امکانات امروزی در حوزه کشت و آبیاری، فقط به حدود ۱۸ هزار هکتار می‌رسد. رشد سریع شهر کنونی فیروزآباد و دیگر روستاهای دشت، باعث از بین رفتن چند هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی شده است. بنابراین میزان زمین‌های کشاورزی دشت فیروزآباد در دوران ساسانی و اوایل اسلامی می‌بایست بیش از ۱۸۰۰۰ هکتار باشد. لازم به ذکر است که شهر فیروزآباد در قرون نهم و دهم هجری از شهر گور به مکان فعلی آن انتقال یافت. این امر موجب از بین رفتن چندین هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی شد که در گذشته توسط دو آبراه گرگان و کتاب آبیاری می‌شدند (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۳) (نقشه ۴).



تصویر ۳. درختان نخل دره لهراسب در بخش جنوب شرقی دشت فیروزآباد (عکس از: نگارندگان).



تصویر ۴. یکی از میله‌های قنات چال کفتاری در دره لهراسب (عکس از: نگارندگان).

(قرون پنجم و ششم هجری) حرف تازه‌ای از این شهر و محصولات تجاری آن به میان نیامده است. قزوینی جغرافیدان قرن ششم هجری در کتاب *آثارالبلاد و اخبارالعباد* (قزوینی، ۱۳۷۳: ۲۲۴) و یاقوت حموی جغرافیدان قرن هفتم هجری در کتاب *معجم‌البلدان* (حموی، ۱۳۶۲: ۵۶) تنها به بازگویی آن چه قبلاً ذکر شده بود، پرداخته و از دوره ایلخانی تا دوره قاجار دیگر نامی از فیروزآباد، در منابع به میان نیامده است. اردشیرخوره (گور) که تا اواخر قرن چهارم هجری محصولات تجاریش زبازد دربارهای شاهان بود، دچار فروپاشی تدریجی شد. تجارت آن تا حد منطقه‌ای تنزل یافت و به تدریج کارگاه‌های گلاب‌گیری و شیشه‌گری آن به میمند در ۴۵ کیلومتری شمال شرق فیروزآباد، انتقال یافت، که تا به امروز هم فعال هستند (تصویر ۶). پس از این انتقال، املاک میمند و سود حاصل از باغات گل و گلاب‌گیری آن در قرن هشتم هجری توسط تاشی خاتون مادر شیخ ابواسحاق اینجو وقف بقعه احمد بن موسی (شاه‌چراغ) در شیراز شد. از خانواده‌هایی از قرن هشتم تا دوره قاجار متولیان این امر بوده اند، نام برده شده است (فسایی، ۱۳۶۷ ج ۲: ۱۵۶۵؛ فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۱۰). با این حال وجود آثاری چون چهارطاقی سلامت‌آباد، امامزاده داوود، و تل قلعه جای‌دشت در دشت فیروزآباد، نشان از ادامه حیات اجتماعی آن

در بین قرون هفتم تا دهم هجری دارد (هوف، ۱۳۶۶: ۹۷؛ نوروزی، ۱۳۸۴: ۲۲۳، ۲۳۹).

در نهایت می‌توان گفت که ساکنان دشت فیروزآباد، حیات اجتماعی خود را مدیون به‌کارگیری یک نظام منظم و منسجم انتقال آب در دوره ساسانی هستند. این مردمان از این مهم آگاهی داشته و تمام تلاش خود را در حفظ و نگهداری آن به کار بسته‌اند. اما با اجرای قانون اصلاحات ارضی و حفر چاه‌های عمیق کشاورزی و در نتیجه رشد سریع شهرنشینی، بزرگ‌ترین ضربه به شاهرگ حیاتی دشت فیروزآباد، در هجده قرن حیات اجتماعی آن، وارد آمد. امروزه تنها چهار آبراه و یک قنات از تمام آثار شیوه‌های انتقال آب در گذشته باقی و فعال مانده‌اند که تنها نمونه‌هایی کوچک از یادگارهای باارزش نظام منسجم و منظم بهره‌برداری از منابع آب در دوره ساسانی هستند.

بحث

تا کنون با مطالعه منابع و شیوه‌های انتقال آب در یک مقیاس گسترده، به اثبات و تطبیق منابع تاریخی با محیط جغرافیایی یک ناحیه، در زمینه باغداری پرداخته نشده است. هرچند در منابع تاریخی از وجود نظام‌های آبیاری و احداث باغ در مقیاس‌های



تصویر ۶. یکی از کارگاه‌های سنتی گلاب‌گیری و عرقیات در میمند (عکس از: نگارندگان).

بزرگ سخن رفته است، که از آن میان می‌توان به گزارش ابن بلخی از باغ‌های نوبنجان فارس در قرن چهارم هجری اشاره کرد. او باغ‌های نوبنجان را با غوطهٔ دمشق، سغد خراسان، شعب بوان و مرغزار شیدان در دنیای آن روز قابل قیاس دانسته است (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۱۴۷). اما باز مطالعه‌ای دربارهٔ مکان‌یابی و شرایط اقلیمی این باغ‌ها صورت نگرفته است. دیگر مطالعات صورت گرفته دربارهٔ باغ‌های ایرانی معمولاً مقیاسی کوچک را در بر می‌گیرد، و در آنها بیشتر به باغ‌های سلطنتی و جنبه‌های معماری و تفریحی این باغ‌ها پرداخته شده است، که از آن میان می‌توان به باغ‌های سلطنتی پاسارگاد در دوران هخامنشی (استروناخ، ۱۳۷۹: ۱۵۵) و باغ‌های جهان‌نما [و] دلگشا در شیراز در دوران اسلامی اشاره کرد (تقوایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۵-۵۶). یا به نوعی به نقش باغ و باغسازی در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی پرداخته شده است (براتی، ۱۳۸۳: ۳-۱۵). یکی از نکته‌های جالب توجه در احداث باغ‌های اردشیرخوره، جنبهٔ اقتصادی و سود فراوانی است که در طول دوران ساسانی و چهار قرن اولیهٔ اسلامی از این باغ‌ها به دست آمده است. این خود موضوعی است که کم‌تر به آن پرداخته شده است. هرچند مطالعاتی که دربارهٔ باغ‌های قرن دوازدهم هجری همدان انجام پذیرفته، نشان داده که این باغ‌ها دارای اهمیت اقتصادی نیز بوده است (هیکو ماگوچی، ۱۳۸۷: ۹۵-۱۰۸). در نهایت می‌توان گفت مطالعه دربارهٔ محدودهٔ باغ‌های شهر اردشیرخوره در دوران ساسانی و اوایل اسلامی با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده از نظام منسجم انتقال آب در دشت فیروزآباد (اردشیرخوره) برای اولین بار صورت گرفته و می‌تواند راه‌گشای مطالعات بعدی در مناطق خشک و نیمه‌خشک سرزمین ایران باشد. در این خصوص می‌توان به سیستم شش کیلومتری انتقال آب چشمهٔ کاخ اردشیر به میانگاه شهر گور اشاره کرد، که علاوه بر ایجاد یک آب‌نمای مدور به فاصلهٔ ۴۰۰ متری در اطراف منار شهر، تأمین آب مصرفی ساکنان شهر گور و باغ‌های محدودهٔ داخلی شهر را نیز بر عهده داشته است (نوروززاده چگینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۰-۱۶۵). این موضوع بدان جهت اهمیت دارد، که آب‌نماهای موجود در باغ‌های ایرانی چون باغ فین کاشان، عباس‌آباد بهشهر، و... که به صورت فواره‌هایی در میان حوض‌های آب‌جانمایی شده اند، سابقهٔ شان از دورهٔ صفویه عقب‌تر نمی‌روند. اما سیستم انتقال آب شهر گور و آب‌نمای آن، پیشینهٔ ایجاد آب‌نماهایی که سیستم اصلی آن به صورت محصور و در زیر زمین پی‌ریزی شده است را به حدود ۱۸۰۰ سال پیش می‌رساند. از طرفی مساحت شهر گور به

حدود ۳۱۴ هکتار می‌رسد. از این میزان تنها ۱۴ هکتار آن میانگاه شهر را شامل می‌شود. بنابراین از لحاظ گستردگی، باغداری و به‌خصوص باغ‌های خصوصی و سلطنتی شهر گور به مراتب بزرگ‌تر و وسیع‌تر از باغ‌های موجود در جای جای ایران بوده است. یکی از دلایل این امر، میزان و نقش منابع آب است. آب اکثر باغ‌های ایران از قنات‌ها و چشمه‌ها تأمین می‌شود، و میزان آبدهی این منابع بر طرح‌ریزی یک باغ مؤثر بوده است. بنابراین میزان آب موجود با مقدار زمینی که برای احداث یک باغ در نظر گرفته می‌شود، رابطهٔ مستقیم دارد. اما برکهٔ کاخ اردشیر که تنها بخشی از آب آن را در دورهٔ ساسانی به شهر گور انتقال داده اند، آن‌قدر پرآب است که تا به امروز به تنهایی حدود ۷۰۰ هکتار از زمین‌های زراعی بخش غربی رودخانه فیروزآباد را مشروب می‌کند.

نتیجه‌گیری

ساسانیان با اجرای یک طرح منظم و منسجم بهره‌برداری از منابع آب و با پشتوانهٔ سیاسی، اداری، و فنی قوی، دشت فیروزآباد را به یک الگوی تمام عیار از شیوه‌های انتقال آب تبدیل کردند. به کار بستن شیوه‌های منظم و دقیق انتقال آب، شهر فیروزآباد (اردشیرخوره/ گور) را به مرکزی تجاری و صنعتی و کشاورزی تبدیل کرد که محصولات تجاری آن به خاطر مرغوبیتی که داشت به تمام نقاط دنیای آن روز صادر می‌شد. این در صورتی است که دشت فیروزآباد توسط کوه‌ها محصور و دسترسی به آن نیز مشکل است. همچنین به علت دور بودن از راه‌های تجاری بعد از اردشیر بابکان، این شهر تحت شعاع دیگر مراکز شهری فارس چون استخر و داراب و بیشاپور قرار گرفت. با این حال شاهد آن هستیم که اردشیرخوره (گور) تا قرن چهارم هجری در اوج شکوفایی بود و نهایتاً با از رونق افتادن بندر سیراف در اواخر قرن چهارم هجری و نبود حکومت مرکزی قوی در فارس، دشت فیروزآباد نیز رونق خود را به تدریج از دست داد و تجارت آن تا سطح منطقه‌ای پایین آمد. به‌کارگیری شیوه‌های انتقال آب، مهم‌ترین بستر تولید ثروت در این دشت بوده است. علیرغم فروپاشی حکومت‌ها و ویرانی بناهای واقع در دشت، نظام و شیوه‌های انتقال آب، در طول ۱۸ قرن از آغاز استقرار گسترده در آن از بین نرفته و در حفظ و بهره‌برداری از آنها تمام و کمال کوشش به عمل آمده است. تنها تغییری که در نتیجهٔ از رونق افتادن تجارت دشت فیروزآباد رخ داد، از بین رفتن کارگاه‌های صنعتی و در نتیجه محدود شدن تولیدات تجاری آن بود. در نهایت کارگاه‌های گلاب‌گیری و شیشه‌گری آن به میمند

در ۴۵ کیلومتری شمال شرق شهر فیروزآباد منتقل شد.

بر اساس بررسی‌های انجام‌گرفته، تمامی زمین‌های دشت، حتی دامنه‌های کوه‌های دورتادور آن نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. دشت فیروزآباد در راستای شمال غربی - جنوب شرقی کشیده شده است و شیب آن نیز در همین جهت است و اختلاف ارتفاع بخش جنوب و جنوب شرقی دشت نسبت به میانه آن، باعث شده در باغداری درختان متنوعی کاشته شود. برای نمونه می‌توان به نخلستان‌های دره لهراسب در بخش جنوب شرقی فیروزآباد اشاره کرد که علاوه بر استفاده از محصول اصلی آن (خرما) بنا بر منابع تاریخی از شکوفه آن عرق طلعه‌ن (طارونه) تهیه می‌شود و از مهم‌ترین محصولات تجاری اردشیرخوره بوده است. دیگر محصولات تجاری از گیاهانی چون گل محمدی، بومادران، بنفشه، و بید... حاصل می‌شده است. این گیاهان به فراوانی تا به امروز در این دشت کاشته شده یا به صورت خودرو رشد می‌کرده‌اند.

گزارش جغرافیدانان قرون اولیه اسلامی درباره محدوده باغ‌های اردشیرخوره قابل اثبات است. تنها در شمال شهر که به دهانه خروجی تنگه تنگاب و کاخ اردشیر منتهی می‌شود، طول باغ‌ها برابر یک فرسنگ است. در جهت‌های غربی و شرقی و جنوبی اردشیرخوره (شهر گور)، گستره محدوده باغ‌ها به بیش از یک فرسنگ می‌رسد. همچنین با توجه به شواهد باستان‌شناختی و موقعیت جغرافیایی و زیست‌بوم دشت فیروزآباد، اقلام تولیدات تجاری آن قابل اثبات است و تمامی این محصولات‌ای که این تولیدات از آن حاصل می‌شده [امکان کاشت و برداشت‌شان در خود دشت میسر بوده است. در کنار محصولات تجاری اردشیرخوره، دیگر فراورده‌های باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی آن، نقش بسزایی در تأمین آذوقه و مایحتاج کشتی‌های تجاری که در بندر سیراف پهلو می‌گرفته‌اند، داشته است. ساسانیان با اجرای یک نظام دقیق بهره‌برداری از منابع آب در دسترس، علاوه بر اینکه دشت فیروزآباد را تا چهار قرن بعد از فروپاشی شاهنشاهی ساسانی در تجارت و کشاورزی به اوج شکوفایی رساندند، موجبات تداوم حیات اجتماعی این دشت را تا به امروز فراهم آورده‌اند. شناسایی و ثبت سیستم ۶ کیلومتری انتقال آب شهر گور و آبنمای آن علاوه بر اثبات آنچه منابع تاریخی در این خصوص گزارش کرده‌اند، ثابت کرد که پیشینه ایجاد آبنمایی که امروزه در باغ‌های ایرانی شاهد آن هستیم به اوایل دوره ساسانی می‌رسد.

در اردشیرخوره شاهد مراحل ایجاد یک شهر از ابتدا به ساکن و استقرارهای گسترده پیرامونی و در کنار آن، آنچه موجبات تداوم

حیات اجتماعی، تجاری، فرهنگی، و هنری شده، هستیم که در نتیجه شناخت و نحوه استفاده صحیح از منابع آب‌های موجود اعم از سطحی و زیرزمینی و بارش‌های سالانه پدید آمده است. در این نوشته تلاش شده تا قدمی هرچند کوچک در شناختن اثرات باغداری در یک دشت وسیع برداشته شود و امید است که راه‌گشای مطالعات بیشتر در این خصوص باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله بخشی از طرح پژوهشی «بررسی و شناسایی شیوه‌های انتقال آب دشت فیروزآباد در دوران ساسانی و اسلامی» است، که با همکاری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (پژوهشگاه میراث فرهنگی) و حمایت مالی کمیته پژوهش سازمان آب منطقه‌ای فارس به انجام رسیده است.

۲. خشکاندن آب زمین (فرهنگ فارسی معین، ذیل «زهکشی»).

۳. از شیرۀ انگور و آرد برنج محصولی مقوی به نام میده (Meydeh) تهیه می‌شود. تهیه و عرضه این فراورده تنها توسط باغداران منطقه کهنارو صورت می‌پذیرد. این فراورده را می‌توان مدت زمانی طولانی نگهداری کرد (نگارندگان).

۴. «جایی که آب از مجرای (کوره) قنات خارج و ظاهر می‌شود یا به زبان ساده محلی یا جایی که آب قنات، آفتابی می‌شود، مظهر نام دارد» (سیدسجادی، ۱۳۶۱: ۸۴).

۵. «مادرچاه در حقیقت منبع اصلی تغذیه قنات و بخشی از قنات است که باید در سرتاسر سال آب آن را تولید و تأمین کند و از این جهت دارای اهمیت خاصی است. مادرچاه‌ها معمولاً در طبقات آبدۀ قرار گرفته‌اند و عمیق‌ترین چاه از سری چاه‌های عمودی قنات به شمار می‌روند. در فنواتی که آبهای زیرزمینی منابع آبی آنها را تشکیل می‌دهد، دورترین میله قنات (در قسمت تره‌کار) از مظهر قنات که معمولاً دارای عمق بیشتری نسبت به سایر میله‌ها است، مادرچاه نام دارد» (سیدسجادی، ۱۳۶۱: ۷۱).

منابع

- ابن بلخی. (۱۳۶۳). *فارسنامه*. به سعی و اهتمام گای لسترنج و رینولد آلن نیکلسون. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- ابن حوقل. (۱۳۶۶). *صورة الارض*. ترجمه جعفر شعار. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- احمدی، حسام‌الدین. (۱۳۹۳). *بررسی و شناسایی شیوه‌های انتقال آب دشت فیروزآباد در دوره ساسانی و اوایل اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی

- ارشد حفاظت و مرمت. استاد راهنما: ناصر نوروززاده چگینی، احمد صالحی کاخکی. اصفهان: دانشگاه هنر، دانشکده حفاظت و مرمت.
- استخری، ابراهیم. (۱۳۷۳). مسالک و ممالک. به کوشش ایرج افشار. چ ۱. تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- استروناخ، دیوید. (۱۳۷۹). پاسارگاد. ترجمه حمید خطیب شهیدی. چ ۱. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- اشمیت، اریک. (۱۳۷۶). پرواز بر فراز شهرهای ایران. ترجمه آرمان شیشه‌گر. چ ۱. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- آدامز، رابرت. (۱۳۸۵). «کشاورزی و شهرنشینی باستانی در جنوب غربی ایران». ترجمه کامیار عبدی. در مجله باستان پژوهی، سال اول، ش ۲، ص ۸-۲۱.
- براتی، ناصر. (۱۳۸۳). «باغ و باغ‌سازی در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی». در مجله باغ نظر، ش ۲، ص ۳-۱۵.
- بقایی، پرهام و آرین امیرخانی و علی‌اکبر تقوایی و محمدرضا بمانیان. (۱۳۸۷). «رهیافتی بر هنر منظرپردازی و باغ‌سازی ایرانی در دوران پس از ساسانیان». در کتاب ماه هنر، ش ۱۲۵، ص ۸۲-۹۱.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۳۶۴). فتوح البلدان. ترجمه آذرتاش آذرنوش. چ ۱. تهران: انتشارات سروش.
- بیات، عزیزاله. (۱۳۷۳). جغرافیای تاریخی و طبیعی ایران. چ ۱. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تقوایی، حسن و منصوره طاهباز و سمانه متقی پیشه. (۱۳۹۴). «نقش سایه در باغ ایرانی (بررسی شرایط آسایش اقلیمی در باغ جهان‌نما و باغ دلگشا)». در مجله مطالعات معماری ایران، ش ۷، ص ۳۵-۵۶.
- توفیقیان، حسین. (۱۳۸۸). «آثار به‌دست‌آمده از محوطه تنگاب فیروزآباد». در مجله اثر، ش ۴۵، ص ۱۰۶-۱۲۰.
- توفیقیان، حسین. (۱۳۹۳). بنادر تاریخی ایران در دوران ساسانی و صدر اسلام. چ ۱. تهران: سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری.
- حموی، یاقوت. (۱۳۶۲). معجم البلدان. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دیولافوا، ژان. (۱۳۸۵). سفرنامه. ترجمه علی محمد فره‌وشی. چ ۱۷. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زرکوب شیرازی، معین‌الدین. (۱۳۸۹). شیرازنامه. به کوشش محمد جواد جدی و احسان‌الله شکرالهی. چ ۱. تهران: مؤسسه ترجمه و نشر آثار هنری (متن).
- سروش، مهرنوش. (۱۳۹۳). «بررسی و شناسایی دشت میان‌آب شهرستان شوشتر». در مجموعه مقالات سیزدهمین گردهمایی باستان‌شناسان ایران: ۱۰-۱۲ اسفندماه، ص ۱۷۲-۱۸۱.
- سیدسجادی، سیدمنصور. (۱۳۶۱). فنات کاریز. چ ۱. تهران: انتشارات انجمن فرهنگی ایتالیا - ایران.
- شاهپور شهبازی، علیرضا. (۱۳۸۹). تاریخ ساسانیان (ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری ومقایسه آن با تاریخ بلعمی). چ ۱. تهران: نشر دانشگاهی.
- شیرازی، فرصت‌الدوله. (۱۳۶۲). آثار العجم. تهران: انتشارات بامداد.
- فسایی، میرزاحسن. (۱۳۶۷). فارسنامه ناصری. ج ۲. به کوشش منصور رستگار فسایی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فلاندن، اوژن. (۱۳۲۴). سفرنامه. ترجمه حسین نورصادقی. تهران: انتشارات اشراقی.
- قزوینی، زکریا بن محمد. (۱۳۷۳). آثار البلاد و اخبار العباد. ترجمه جهانگیر میرزا قاجار. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کارنامه اردشیر بابکان. (۱۳۹۰). ترجمه بهرام فره‌وشی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کراچی، روح انگیز. (۱۳۶۹). «اردشیرخوره به روایت شاهنامه». در فرهنگ، ش ۷، ص ۳۱۱-۳۲۰.
- کردوانی، پرویز. (۱۳۸۷). مناطق خشک. ج ۱. چ ۷. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. ج ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. (۱۳۸۵). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی. تهران: انتشارات کومش.
- مقدم، عباس. (۱۳۸۴). بررسی‌های باستان‌شناختی میان‌آب شوشتر. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- نوروززاده چگینی، ناصر و احمد صالحی کاخکی و حسام‌الدین احمدی. (۱۳۹۳). «از کاخ تا شهر (بررسی و شناسایی شیوه‌های انتقال آب اردشیرخوره (گور) در دوران ساسانی و اسلامی)». در مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۷، ش ۴، ص ۱۵۳-۱۷۳.
- نوروزی، رضا. (۱۳۸۴). بررسی باستان‌شناسی فیروزآباد. شیراز: انتشارات دانشنامه فارس؛ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری فارس.
- واندنبرگ، لویی. (۱۳۷۹). باستان‌شناسی ایران باستان. ترجمه عیسی بهنام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- وثوقی، محمدباقر. (زمستان ۱۳۸۳). «پس از یک هزاره باز هم سیراف». در نامه انجمن، ش ۱۶، ص ۶-۱۹.
- ونکه، جی. (۱۳۸۱). «غرب ایران در دوره پارت و ساسانی (تغییر شاهنشاهی)». ترجمه زهرا باستی. در باستان‌شناسی غرب ایران. به

کوشش فرانک هول. تهران: انتشارات سمت.

- هرتسفلد، ارنست. (۱۳۸۱)، *ایران در شرق باستان*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- هوف، دیتريش. (۱۳۶۶). «فیروزآباد». ترجمه کرامت‌الله افسر. در *شهرهای ایران*. به کوشش محمدیوسف کیانی. ج ۲. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ص ۷۹-۹۵.

- هوف، دیتريش. (۱۳۶۵). «شهرهای ساسانی». ترجمه محمدرحیم صراف. در *نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران*. به

کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی، ص ۲۰۴-۱۷۶.
- هیکو ماگوچی، آکو. (۱۳۸۷). «یادداشتی در باره باغ و باغداری در همدان (اوایل قرن هجدهم میلادی)». ترجمه مینا مثمر. در *مجله وقف، میراث جاویدان*، ش ۶۱، ص ۹۵-۱۰۸.

- Stein. A. (1936). "An archaeological tour in the ancient Persis, From Shiraz to Jahrom and Khafir". *Iraq* 3, pp. 111-225.